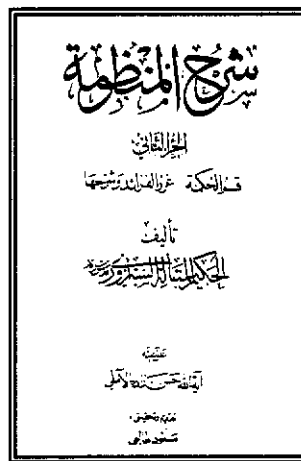


شرح منظومه

ملا هادی سبزواری، تصحیح و تعلیق آیه الله حسن زاده آملی. تقدیم و تحقیق مسعود طالبی. (چاپ اول: تهران، نشر ناب، جلد اول ۱۳۶۹، جلد دوم (۱ و ۲) : ۱۳۷۱). ۴۳۲ص.

فلاسفه اسلامی را می توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول. نوآوران و مبتکران و ارائه کنندگان مبانی جدید و مؤسسين مکاتب فلسفی، مانند شیخ الرئیس، شیخ اشراق و صدرالمتألهین. دسته دوم پیروان، مروّجان، شارحان و مفسران آثار دسته اول حکیم متأله حاج ملا هادی سبزواری (۱۲۸۹-۱۲۱۲ق) از حکمای طراز اول دسته اخیر به حساب می آید. او از مروّجان بزرگ و از شارحان کم نظیر حکمت متعالیه است؛ هر چند گرایش اشراقی و عرفانی او شدیدتر از مقتدایش صدرالمتألهین می باشد. حواشی حکیم سبزواری بر اسفار و دیگر کتب صدرا غالباً توضیحی است و در تبیین و حل دشواریهای متن به کار می آید. هر چند حواشی او بر الشواهد الربوبیه صدر المتألهین محققانه تر و متقن تر از حواشی او بر اسفار است. غررالفرائد و شرح آن، مشهور به شرح منظومه را مؤلف در عنفوان جوانی و طی بیست سال (۱۲۶۰-۱۲۴۰ق) به رشته تحریر آورده است. منظومه حکمت با انگیزه تلخیص و تنظیم یک دوره مسائل فلسفی سروده شده است. او نیک می دانست که طولانی



شدن زمان تحصیل و تدریس علمی مانند منطق، فلسفه و عرفان موجب از هم گسیختن روابط موضوعات و پیوند مسائل آن علم در ذهن دانش پژوهان می گردد. مقصود این حکیم عارف از این تألیف ایجاد زمینه و دیدگاه عمومی منطقی، فلسفی و عرفانی جهت آمادگی ورود و فهم درس اسفار صدرالمتألهین بود و با زیر دستی و مهارت خاص موفق به این مهم شد. بعضی اشعار منظومه در اوج زیبایی و اتقان و در برخی اشعار نیز قواعد ادبی و لفظی فدای عمق فلسفی شده است. بخش منطق منظومه پس از بخش حکمت آن نوشته و شرح شده است. حکیم سبزواری حواشی بر اسفار و شرح منظومه را در یک زمان نگاشته، چرا که در هر دو به دیگری ارجاع داده است. اشکالاتی که در این دو کتاب بر آراء صدرالمتألهین وارد شده، هر چند منحصر به چند مورد خاص می گردد، اما از آنجا که همگی مربوط به دوران جوانی فکری اوست، در تألیفات بعدی تکرار و پیگیری نشده و بعضاً نیز از آنها عدول کرده است. مانند برهان تضائف، ترکیب اتحادی ماده و صورت، ناتمام دانستن ادله اتحاد عاقل و معقول و مبحث علم. سبزواری در توضیح مبانی صدرایی به مراتب موفقتر از اشکال بر صدر است. اشاره به بعض نکات ادبی برای توضیح پیچیدگیهای اشعار و نیز پرداختن به مسائل عرفانی در کتابی که دانشجوی فلسفه در آغاز راه می آموزد، از نکات منفی این کتاب بزرگ به حساب می آید.

روش سبزواری در دسته بندی و تنظیم مطالب و عناوین فلسفی در آثار، بویژه شرح منظومه، منطقی تر و دقیقتر از سبک صدرالمتألهین در اسفار و متفاوت به آن بویژه در بحث الهیات بالمعنی الاخص است. از نکات اختصاصی شرح منظومه توجه آن حکیم فرزانه به تأثیر مکاتب فلسفی بر علوم است. وی به طور جسته و گریخته

تأثیر عرفان نظری و مکتب مشاء و اشراق را بر مبانی علم منطق و اختلاف تعاریف موضوعات آن را مورد مذاقه و استنتاج قرار داده است؛ مانند تعریف نوع و اقسام کلی و جزئی. در شرح منظومه آراء مذاهب و نحله های مختلف فلسفی و کلامی مطرح شده است. منابع اصلی سبزواری در منظومه بتصریح مصنف، آثار ملاصدرا، ابن سینا، قطب الدین شیرازی، محقق طوسی، میرداماد، شیخ اشراق، و محی الدین عربی است. اما وی به واسطه کمبود منابع و کتب مورد مراجعه، در تحلیل، تبیین و اسناد اقوال و آراء دچار اشتباهاتی گردیده است که نوعاً از دید شارحین و محشین منظومه به استثنای استاد شهید مطهری، مخفی مانده است. از این رو شرح منظومه به لحاظ تاریخ تفکر فلسفی قابل اعتماد نیست.

حواشی سبزواری بر شرح منظومه که بیست و یک سال بعد از نگارش شرح منظومه (۱۲۸۱ق) به اتمام رسیده، از آثار دوران پختگی فکری مصنف است. مقایسه حواشی و شرح منظومه پرده از ارزش علمی و تحقیقی این حواشی بر می دارد. لذا این حواشی را به قصد آشنایی با دستاوردهای جدید فلسفی سبزواری باید مطالعه کرد، نه به عنوان حاشیه ای توضیحی بر متن شرح منظومه به طور کلی آثار سبزواری را به دو دسته متمایز میتوان تقسیم کرد: دسته اول حاصل دوران جوانی فکری مؤلف است؛ مانند تعلیقات اسفاره متن و شرح منظومه. دسته دوم آثار دوران متأخر حیات فکری سبزواری است؛ از قبیل، شرح اسماء الحسنی، اسرار الحسنی، اسرار الحکم، شرح مثنوی و حواشی شرح منظومه. عمق فلسفی و عرفانی و استفاده بیشتر از مؤیدات شرعی از ویژگیهای آثار دوران متأخر است. با توجه به وقفه ای که در تألیف کتب جدی منطقی به چشمه می خورد، شرح منظومه منطق حاوی جدیدترین مبانی منطقی، بویژه با توجه به دستاوردهای حکمت متعالیه، است. شرح منظومه از دیر باز مورد عنایت علما و حوزه های علمیه بوده است. کثرت شروح و حواشی بر آن خبر از میزان اهمیت این کتاب می دهد. کتب دیگری که پس از منظومه نگارش یافته اند هنوز به طور کامل نتوانسته جای منظومه را

بگیرد. تحفة الحکیم مرحوم غروی اصفهانی به شیوه منظومه سروده شده است. بدایة الحکمة و نهاية الحکمة علامه طباطبایی که در بسیاری مطالب و تنظیمات ناظر به شرح منظومه است، اگر چه قطعاً بر منظومه حکمت سبزواری امتیازات فراوانی دارند، از جمله خالی بودن از نکات ادبی و عرفانی و تبویب و تنقیح بهتر و اتقان و استحکام بیشتر، اما منظومه سبزواری علاوه بر مباحث رایج فلسفی، حاوی مباحث منطق، اخلاق، معاد و نبوت است و متکی بر مبانی عرفانی نظری می باشد که کتب یاد شده فاقد چنین نکاتی است. اگر چه با توجه به شیوه های جدید نگارش درسی، شرح منظومه در عصر ما از ملاکهای یک کتاب درسی فاصله دارد و بتدریج نهاية الحکمة جای آن را می گیرد، اما اهمیت منظومه به عنوان یک متن اصیل فلسفی با ویژگیهای آن به این سادگی زودنی نیست. شرح منظومه نخستین بار به همت مرحوم امیرکبیر در ۱۲۸۹ق با چاپ سنگی منتشر شد، این چاپ که به طبع ناصری مشهور است کم غلط و پاکیزه است و تا زمان ما بی درپی افسست می شود و رایجترین نسخه منظومه به شمار می آید. دومین چاپ منظومه مشهور به طبع مظفری است که به مراتب از طبع ناصری نامرغوبتر است. به همت آقای دکتر مهدی محقق در ۱۳۴۸ش بخش امور عامه و در سال ۱۳۶۸ش بخش الهیات بالمعنی الاخص شرح منظومه حکمت برای نخستین بار به هیأت حروفی منتشر شد. از مزایای این چاپ هیأت چشمنواز آن، ارائه ابیات منظومه در اول هر جمله، سپس متن شرح منظومه با رعایت سجاوند، آوردن تعلیقات سبزواری و گزیده تعلیقات مرحوم هیدجی و مرحوم محمدتقی آملی. فهارس عامه، فهرست اصطلاحات و تعبیرات فلسفی همراه با معادل لاتین یاد کردنی است.

اما این چاپ هم به دلائلی نتوانست جای طبع ناصری را بگیرد: اول اینکه هنوز پس از ۲۴ سال بخشهای منطق، طبیعیات، نبوت و معاد و اخلاق منظومه این مجموعه چاپ نشده است. دوم اینکه: در تصحیح متن و شرح و حواشی دقت کافی مبذول نشده است. اغلاط چاپی و غیرچاپی فراوان به چشم می‌خورد، حتی در پاره‌ای از موارد چند سطر از متن و یا حواشی افتاده است. به عنوان مثال در صفحه ۶۰ از جلد دوم شرح منظومه طبع دکتر محقق، سطر ۲ آمده است: "و لوجوده اضافه الی مبدئه و بهذا الاعتبار يتصف بالامكان الذاتی" حال آنکه عبارت صحیح این است: "و لوجوده اضافه الی مبدئه، و بهذا الاعتبار يتصف بالوجوب الغيری، و اضافه الی ماهیته و بهذا الاعتبار يتصف بالامكان الذاتی". (ج ۲، ص ۶۷۲، طبع نشر ناب) یا اینکه صفحه ۵۵ از ج ۲ طبع دکتر محقق سطر ۶ (بانّ الداعی و الغرض من الایجاد عین ذاته تعالی) به عنوان تتمه غرر فی الاراده آورده شده، حال آنکه زائد است و این عبارت بخشی از عنوان غرر بعدی است. مراجعه به طبع ناصری ص ۱۸۵ علت اشتباه را واضح می‌کند. در صفحه ۲۳۷ از جلد دوم طبع دکتر محقق یک حاشیه مرحوم سبزواری به کلی از قلم افتاده است. این حاشیه در صفحه ۱۸۰ طبع ناصری و با شماره ۳۷ در صفحه ۶۲۶ طبع نشر ناب (و علمت ایضاً انه عبارت آخری...) آمده است. در صفحه ۲۰۶ از جلد دوم طبع دکتر محقق حاشیه مفصلی از مرحوم سبزواری کلاً از قلم افتاده است، این حاشیه در صفحه ۱۷۴ طبع ناصری و با شماره ۲ در صفحه ۶۰۴ طبع نشر ناب (علیک باستنباط طریق سهل...) آمده است. در این فاصله چاپ دیگری از شرح منظومه، ظاهراً با اسقاط حواشی طبع دکتر محقق، بدون تصحیح اغلاطی آن منتشر شد که قابل ذکر نیست. تا اینکه از سال ۱۳۶۹ انتشار شرح منظومه با تصحیح و تعلیق استاد حسن زاده آملی و تقدیم آقای مسعود طالبی با چاپ جلد اول آن یعنی شرح منظومه منطق آغاز شد و اخیراً دو جلد دیگر آن یعنی امور عامه الهیات بالمعنی الاخص منظومه حکمت به دستداران حکمت اسلامی عرضه گشت. ویژگیهای چاپ اخیر بدین قرار است: ۱- متن و شرح و حواشی حکیم

سبزواری بدقت بر اساس طبع ناصری و با مراجعه به نسخه مجلس و طبع مظفری تصحیح شده و به نسخه بدلای آن اشاره گشته است. دقت فنی استاد مسلم حکمت اسلامی آیت الله حسن زاده آملی و خبرگی ایشان در تصحیح متون معقول از مزایای حتمی این طبع است.

۲- نشانی تمامی منابع اقوال حکیم سبزواری حتی اگر متن منظومه ناظر به یکی از متون فلسفی باشد نیز در پاورقی اشاره شده است.

۳- تعلیقه توضیحی عالم متبّع استاد حسن زاده آملی بر منظومه اعم از منطق و حکمت پژوهشگر حکمت را با دریایی از مطالب مختلف پیرامون متن منظومه آشنا می‌کند. در این تعلیقه‌ها ضمن تصحیح اشتباهات اسنادی مرحوم سبزواری اقوال مختلف درباره مسائل مورد بحث فلسفی ارائه شده است و ارزش تنبّعی فراوان دارد.

۴- فهرس فنی آیات، روایات، اشعار فارسی و عربی، اعلام و فرق وامکنه، کتب، مصادر و مآخذ تحقیق کار پژوهشگران حکمت اسلامی را تسهیل می‌کند.

۵- در فهرست تحلیلی موضوعی در ۷۵ صفحه، کلیه واژه‌های فلسفی بکار رفته در بخش حکمت با نشانی دقیق آنها مشخص شده است. این فهرست تفصیلی‌ترین و کارآمدترین فهرست تحلیلی موضوعات کتب فلسفه اسلامی است که در پژوهشهای فلسفی در صرفه‌جویی وقت و تسریع تحقیق بسیار مؤثر است.

۶- ترجمه انگلیسی مقدمه کتاب نشان از روشن بینی محقق کتاب دارد.

۷- هیأت کتاب بسیار چشم نواز و با رعایت اصول فنی عرضه شده است.

گفتنی است منظومه منطق برای نخستین بار در این طبع

به چاپ حروفی و بشکل محقق عرضه می شود. مقایسه بخش حکمت این چاپ با چاپ یاد شده در پیش نشان از قوت تحقیق استاد حسن زاده و آقای طالبی دارد. امید است که دیگر مجلدات منظومه بسرعت منتشر شود.

با این همه نکاتی هر چند جزئی جهت تکمیل و ارائه بهتر مجلدات بعدی و نیز رفع نواقص جلد اول جهت تجدید چاپ عرضه می شود.

۱- شایسته است متون اصلی بویژه کتب درسی فارغ از حواشی و تعلیقات تنها با حواشی مصنف و تحقیقات فنی در حد ذکر منابع در کمترین حجم منتشر شود. چاپ حواشی تفصیلی در مجلدات جداگانه مناسبتر است. تفکیک حواشی تفصیلی و متبّعانه حضرت استاد حسن زاده و انتشار آن در مجلدی واحد و انتشار متن و شرح و حاشیه سبزواری بشکل مجزاً در حداکثر دو جلد با تحقیقات فنی بیشک بر ارزش این مجموعه نفیس می افزاید. اگر بر توأمان بودن تعلیقات و نوشته های مرحوم سبزواری اصرار می رود حداقل حواشی مصنف با حروفی متمایز و در ذیل شرح و در صدر دیگر تعلیقات چاپ شود.

۲- انتظار می رفت در مقدمه چنین تحقیق عمیقی در مورد ویژگیهای اندیشه حکیم سبزواری با تفصیل بیشتری سخن می رفت. جایگاه حکیم سبزواری در تاریخ تفکر فلسفی، ارائه ترتیب زمانی مؤلفات حکیم، ارائه مشخصات کلیه حواشی و مشروح در ترجمه های شرح منظومه، میزان تأثیر افکار سبزواری بر حکمای متأخر از وی، ابتکارات فلسفی سبزواری، اشکالات شرح منظومه به عنوان کتاب درسی از نکاتی است که جای پرداختن به آنها در مقدمه خالی به نظر می رسد.

فهرست کلیه مقالات، کتب و پایان نامه هایی که مربوط به سبزواری و شرح منظومه است می توانست در ذیل مقدمه ارائه شود. جای چنین مقدمه ای در اول جلد اول این مجموعه است و جای ترجمه انگلیسی در انتهای این مجموعه نه در پایان بخش الهیات بالمعنی الاخص. ضمناً آیا زبینه متن عربی، مقدمه عربی نیست؟

۳- فهرست تحلیلی موضوعات می باید در آخرین جلد

مجموعه و حاوی تمامی واژه های فنی شرح منظومه باشد. بخش منطق فاقد چنین فهرست کارآمدی است.

۴- شماره مجلدات به ترتیب ادامه یابد بسیار بهتر از ۲/۱ و ۲/۲ فعلی است. شماره صفحات مستقل در هر جلد باید رعایت شود. و یک شماره مسلسل صفحات از ابتدا تا انتهای مجموعه نیز مفید است.

۵- اگر قرار است شرح منظومه با این حجم از تعلیقات منتشر شود، اضافه حواشی مختصر ملاعبدالکریم خوبشانی (شاگرد مصنف) بر منظومه منطق به انتهای بخش منطق مفید است تا پژوهشگر منطق از طبع ناصری کلاً بی نیاز شود.

۶- شماره گذاری ابواب بخش منطق (غوص) مانند ابواب بخش حکمت (غرر) تسهیلی دریافتن ابواب است.

۷- شیوه امضای تعلیقه های بخش منطق و حکمت هماهنگ نیست. یکدست کردن علائم و حواشی بی علامت در تمامی مجموعه مورد انتظار است.

۸- تعلیقه های آقای طالبی بر کتاب بدون ویرایش ادبی منتشر شده است. بعضی از این تعلیقه ها به شیوه فارسی به مفردات عربی نگارش یافته است، به عنوان نمونه تعلیقه های شماره ۹ و ۱۰ صفحه ۵۲۳ جلد دوم.

توفیق محقق سختکوش و مصحح فاضل شرح منظومه را در ارائه سریعتر مجلدات بعدی و دیگر خدمات علمی و فرهنگی از خداوند بزرگ خواهانم.

محسن کدیور

آینه پژوهش: چند نکته دیگر درباره این اثر گفتنی است:

- ۱- در حواشی آقای طالبی خطاهای ادبی فراوانی به چشم می خورد، نمونه: ص ۹۵ پاورقی ۲۹، ص ۲۸۰ پاورقی ۱۱، ص ۲۸۵ پاورقی ۴، ص ۲۲۸ پاورقی ۳،

ص ۴۶۲ پاورقی ۱۱، ص ۴۷۰ پاورقی ۸.

۲- همه جا جناب طالبی نام کتاب «تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدر المتألهین» را به اشتباه، «تاریخ حکما و عرفای متأخرین صدر المتألهین» ضبط کرده‌اند.

۳- برخی از عناوین فهرستهای پایانی کتاب، هیچ کارآیی ندارد، مثلاً در ص ۸۴۷، ۸۵۹-۸۶۰، کلمه الماهیه و الوجود فهرست شده که در بسیاری یا بیشتر صفحات کتاب آمده است و خواننده با مراجعه به آن گم شده‌ای را نمی‌یابد.

۴- تحقیق متون و تصحیح آنها تقریباً مترادف است و اینکه در شناسنامه کتاب نوشته شده است:

تصحیح و تعلیق: آیه الله حسن زاده

تقدیم و تحقیق: مسعود الطالبی

چندان دقیق و درست نیست. بهتر بود نوشته می‌شد:

تقدیم و تخریج و مقابله: مسعود طالبی

تحقیق و تعلیق: آیه الله حسن زاده

به وجه لطیف تری بازگو می‌نماید.

از کتب تازه‌ای که اخیراً عرضه شده انیس الطالبین و عدة السالکین است که با نثری فصیح و اصیل احوال بهاء الدین نقشبند (۷۱۸-۷۹۱) بنیانگذار طریقه نقشبندی، را در بر دارد و پیداست که مثل همه کتب سیره و مناقب اولیاء الله، سرشار است از اغراقهای مریدانه یا حکایاتی که اصل درستی داشته اما در نقل قول به نحوی از انحاء تحریف یافته است. در هر حال این گونه کتب، هیچ هم که نداشته باشد به لحاظ حاوی بودن بر مواد تاریخ اجتماعی و نیز به لحاظ سبک شناسی و لغت و تعبیرات ریشه دار فارسی ارزشمند است.

بهاء الدین نقشبند، زمانی به تأسیس طریقه تصوف ستیانه اقدام نمود که فضای تصرف ایرانی بلکه اسلامی را نخله های صوفی- شیعی با ادعاهای ولایت و مهدودیت فرو گرفته بود (ر ک: تشیع و تصوف، مصطفی کامل الشیبی، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراکزلو، امیرکبیر ۱۳۵۹، ص ۱۲۲ و ۲۳۷).

بهاء الدین نقشبند و نخستین پیروانش کوشیدند تصوف را به بساطت اولیه اش نزدیک کنند. بهاء الدین می‌گفت: «سلسله کس به جایی نمی‌رسد» یا «از سلسله، کس جایی نمی‌رسد» و خود را پیرو اویس قرنی (ص ۹۵) و الهام یافته از خضر (۱۷۹) می‌شمرد. در همین کتاب چند بار از حکیم ترمذی و با یزید بسطامی و ابو سعید ابوالخیر نام برده و این به معنای احیای تصوف خراسان است.

او دعاوی و شطحیات مشهور را به وجه نسبتاً مقبولی می‌کوشید توجیه نماید (ختم ولایت محمدیه ص ۱۱۲ «صوفی مخلوق نیست، یعنی چه؟ ص ۱۶۱).

اعتدال در اقوال و احوال از ویژگیهای نخستین

انیس الطالبین و عدة السالکین

انیس الطالبین
و
عدة السالکین
صلاح الدین بن مبارک بخاری
به کوشش
توفیق سبحانی

صلاح الدین بن مبارک
بخاری.

تصحیح و مقدمه خلیل
ابراهیم صاری اوغلی. به
کوشش توفیق سبحانی.
(تهران، انتشارات کیهان،
۱۳۷). ۴۲۲ ص.

متون فارسی صوفیانه
دارای ویژگیهای چندی است
که گیرایی خاصی بدان

می‌بخشد: یکی ساده و شیوا بودن (زیرا طرف خطاب آنها عامه مریدان بوده است)، دیگر شامل بودن بر تمثیلات و داستانها و ضرب المثلهای، سوّم مشتمل بودن بر احادیث و آیات با تعبیر عرفانی آن. و از همه بالاتر صداقت است و شور و نفس گرم حقانیت که در آن موج می‌زند و خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نصوص و عقاید و شعائر دینی را

نقشبندیان است، بهاء الدین نقشبند پرداختن به ریاضات و مستحبات را برای مریدان پر ضرور نمی دانست (۱۲۲) و به نوعی برادری اجتماعی میان مریدان می اندیشید و می گفت: «طریقه ما صحبت است» و می گفت: «خیریت در جمعیت است و جمعیت در صحبت است و صحبت در نفی بودن در یکدیگر» (۱۴۲).

و نیز می گفت: «هرگز شما را بجل نکنم اگر همت شما در طلب مقصود چنان نباشد که قدم خود را بر سر من گذارید و بگذریت آنکه حضرت پیغمبر (ص) امیرالمؤمنین علی (ع) را فرمودند تا قدم بر کتف مبارک حضرت او نهاد و بتان را از دیوار کعبه بینداخت اشارت به همین است» (۹۸). ملاحظه می کنید که این مرشدان مردی چه نکات تربیتی عمیقی در نظر داشتند.

بهاء الدین مردی بود حلالخوار، و طبعاً معترض بر ظلم و غصب و جور ستمگران، چنانکه از سفره سلطان خلیل غذا نخورد (۱۱۹) و حتی هیچ خوراکی که در تهیه آن «کراهت و دشوار آمد» به کار رفته بود نمی خورد (۱۱۷). بهاء الدین با آنکه شخصاً نیز گاهی مورد ستم مأموران خودسر و زورگویی حکومتی قرار گرفته بود (۲۰۵) اما بر خلاف متصوفان متمدنی یا مدعی ولایت آن عصر، شورش نبود و رعایت اجلال شاهان را از باب بزرگداشت خدایی که آن جلال را به شاهان بخشیده، روا می شمرد (۸۵) و زمانی که از وی در خواستند در یک اقدام ضد حکومتی شرکت کند، نکرد، و گر چه به لفظ (اجباراً) موافقت نمود، اما گفت این جمع را در این کار اخلاصی نیست. (۲۳۱). و البته روش او با روح کلی تصوف (تبری از آلودگیها اما اقدام نکردن در رفع آن) سازگار است و شاید هم اقدام را مفید و مؤثر نمی دانسته است.

نقشبندان در نسلهای بعد، هم سادگی نسبی اولیه را از دست دادند و با مکتب ابن عربی در آمیختند (مثلاً جامی از نقشبندیان معروف، شارح ابن عربی نیز هست) و هم با دربار تیموریان به طور جدایی ناپذیری نزدیک شدند و تبدیل به جمعی از صوفیان سنی حکومتی گردیدند که دارای تعصب ضد شیعی خاص خود بودند، لذا جامی در

نفحات الانس از متصوفان متشیع نامی نبرده است. البته صوفیان صفوی هم وقتی به قدرت رسیدند قشریگری را به نهایت رسانده، مکتبهای صوفیانه را کوبیدند و حتی به نور بخشیان شیعی نیز ابقا نکردند.

به کتاب بازگردیم، تصحیح کتاب از روی نسخ معتبری (مورخ ۸۲۲ و ۸۲۱) صورت گرفته، و آنچه کمبود آن کاملاً به چشم می خورد تهیه نکردن فهرستی از لغات و تعبیرات نادر و نیز معنی بعضی واژه های غریب است (مثلاً: «جواز» به معنی دنگ برنج کم بی).

در این کتاب ترکیبیات و واژگان خاصی هست که جالب است: هرچگاه (= هر گاه)، گرنج (= برنج)، شد کار (شیار، شخم)، معامله (= هدیه و تعارفی که برای مرشد می بردند، جریمه دوستانه ای که پیر از درویش خاطمی می گرفت تا دلش با اوصاف شود)، زنبیر (= زنبه، ابزار خاک کشی)، فراخ شاخ (= گاو)، فالیز (= هالیز، مزرعه صیفی جات)، خاشاک مسجد (نوعی گیاه که در مسجد فرش می کردند. ص ۲۵۹).

معدودی غلطهای چاپی و غیر چاپ هم به چشم می خورد که به لحاظ کاملتر شدن کار عرضه می داریم:

الذی یغنی الکلام و لا یحیط بوصفه

أیحیط ما یغنی بما لا ینفد (۶۶)

کلمه «الذی» در صدر بیت زائد است چه به لحاظ معنا و چه به لحاظ وزن، و بایستی حذف شود. در صفحه ۸۷ س ۲ عبارت زیر به صورت شعر نوشته شده که شعر نیست: «بعد از نومیدی خطاب شد که هلا / هر چه می خواهی همچنان باش بگو»

و نیز در صفحه ۱۴۹ س اول: «اگر و اصل عمر ابدی یابد / شکر تربیت موصول را نتواند گزارد».

و نیز در شعر زیر از حلاج: کفرت بدین الله و الکفر

واجب / علی و عند المسلمین حرام قبیح، کلمه «حرام» به مصراع دوم زاید است.

گاهی در علامتگذاری سهو شده مثلاً: «نقل کرد: دانشمندی که...» (۱۲۴) که به این صورت درست است: «نقل کرد دانشمندی که: ...»

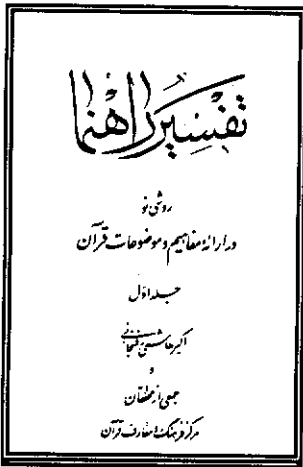
ضمن آرزوی توفیق برای ناشر با نقل خلاصه دو حکایت از کتاب، گفتار را به پایان می‌بریم و مطالعه آن را به محققان و کتابخوانان توصیه می‌نمائیم.

نقل کردند که روزی... شیخ شادی به حضرت خواجه (بهاء الدین) رسید قوی در بسط و سرور، خواجه فرمودند: شادی، خوش حالی داری؟ خدمت کرد و گفت: از برکات دریافت قدوم شریعت حضرت است. خواجه فرمودند: این بسط تو از عالم دیگر است از ما نیست،... چه عمل از تو در وجود آمده است؟ شیخ شادی گفت: به خدمت شما می‌آمدم در راه چند تُنگه زر دیم در خاطر من آمد که آنها را از نظر خلق پوشیده گردانم، باز استغفار کردم و گفتم: مرا این چکار است؟ مصلحت آنست که به این چیز التفات نکنم. چون سه قدم گذشتم این صفت بسط در من پیدا شد. خواجه (بهاء الدین) فرمودند که هر که حق را بر غیر حق گزیند کمینه سعادت او این باشد. (۶-۲۲۵).

«روزی محمد ترک کوفینی که از جمله درویشان حضرت خواجه ما (بهاء الدین) بود در بازار بر دکان یکی از درویشان ایشان نشست بود در شهر بخارا... و سخنان بلند می‌گفتند، در اثنا گفت: چه درویش باشد که اگر پشه‌ای در بغداد بر شاخ درخت باریک بنشیند از اینجا نیبند! بعد آن، حضرت خواجه بیامدند و گفتند: ترا این سخن به چه کار آید؟ غم دین و مسلمانی خور و بر جاده شریعت مصطفویه ثابت قدم باش، از این سخنان کار کفایت نمی‌شود. حاضران را از آن اشراف و شفقت ایشان وقت خوش شد. (۲۰۰/۲۰۱).

علیرضا ذکاوتی قراگوزلو

معرفی کتاب



اکبر هاشمی رفسنجانی و
جمعی از محققان مرکز
فرهنگ و معارف قرآن،
(چاپ اول: قم، انتشارات
دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم، ۱۳۷۲).

۵۲۰ ص، وزیری.
تفسیر، تبیین و توضیح
آیات قرآن با شرح و
توضیحات رسول الله -ص-

آغاز شد و با همت صاحبیان آن بزرگوار بگسترده و در دوره تابعین در مدارس گونه‌گون و شهرها و آبادیهای مختلف در حلقه‌های تعلیم و تعلم، بگونه مهمترین و عالیترین آموزه‌های جامعه اسلامی در آمد و پس از آن به پایمردی عالمان و پژوهشیان تدوین گشت و پراکنده شد. از آن روزگار تاکنون صدها نفر از عالمان و متفکران و نویسندگان ابعاد مختلف کتاب الهی را کاویده‌اند و از زاویه‌های گونه‌گونی بدان نگریسته‌اند و در آستانه قرآن مجموعه بس سترگی پدید آورده‌اند که داستان این نگرشها و نکارشها داستانی است بلند و آموزنده و باید گفته آید در مقام دیگری. (در سالهای اخیر پژوهشهای گرانقدری در این باره سامان یافته است که مشهورترین آنها التفسیر و المفسرون ذهبی است که با همه کاستیها و گاه غرض آلودیها، اثری سودمند و بویژه به لحاظ شیوه کار، کارآمد است. عالمان دیگر نیز در بخشی از این موضوع و یا تمام آن، آثار کوتاه و بلندی نگاشته‌اند که شایان توجه است این بنده اکنون سالهاست که

به تدوین اثری گسترده در این باره مشغولم که امیدوارم جلد اول آن بزودی نشر یابد. همچنین بنگرید به: تفسیر و تفاسیر جدید، ص ۱۷۴-۱۶۷؛ آشنایی با تفاسیر قرآن، ص ۱۱۷-۱۲۱، در این دو منبع شماری از این آثار یاد شده است). در تاریخ بلند این جریان عظیم علمی و پژوهشی، قرن چهاردهم که بحق آن را دوره تجدید نامیده اند از جایگاه بلندی برخوردار است. (المبایء العامه للتفسیر، ص ۱۴۶). در این قرن تفسیر به لحاظ شیوه، مواد، جهتگیری و محتوای ساختاری با آنچه در قرنهای پیشین بوده است یکسره تفاوت دارد. اندیشوران در این قرن از نگاههای کارامدی به قرآن نگریستند و عملاً قرآن را به میدان اجتماع و عینیت جامعه وارد کردند و با بهره‌وری از گستره دانش بشری و آموزه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در آستانه قرآن به تکاپو پرداختند و حقایق بلندی را از آن کتاب الهی عرضه کردند.

کتاب مورد گفتگو در چنین حال و هوایی شکل گرفته و تدوین یافته است. دستمایه آغازین این اثر- که شاید به ده جلد برسد- یادداشتها، فیشها و دستنوشتهای اندیشور گرانقدر حضرت حجت الاسلام والمسلمین اکبر هاشمی رفسنجانی- ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران- است. وی در اوج درگیری با رژیم ستم‌شاهی انس با قرآن را از دست فرو نهداد و در بند جباران از فرصت بهره می‌گیرند و قرآن را یک بار بدقت خوانده و مطالب آیات را یادداشت می‌کنند و بار دوم به یاری برخی از تفاسیر، به بازنگری و بازنویسی آن می‌پردازند. (مقدمه ۱۲-۱۴). از این مجموعه در دوران انقلاب بهره شایسته برده نمی‌شد. مؤسسات و اشخاصی برای تکمیل و تنظیم آن همت گماشتند، اما کار سامان نیافت؛ تا اینکه دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم دامن همت به کمر زد و با پی‌نهادن واحدی با عنوان «مرکز فرهنگ و معارف قرآن» به بازنگری و بازنگاری آن پرداخت. در این مرکز- که سپاس خدای را اکنون یکی از معدود مجموعه‌های تخصصی تفسیر و علوم قرآن است- گروهی از فاضلان با مطالعه و دقت در تفاسیر و اندیشوری و تدبیر در حقایق قرآنی به تدوین و تکمیل

یادداشتها پرداختند و با سیر دقیق و استواری تمام فیشها را بازنگری کردند و فیشها و یادداشتها فراوانی بر آن افزودند. یادآوری کنم که فیشها و برداشتها و مطالب جناب هاشمی- بویژه آنجا که به بحثهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مربوط می‌گشت- بسیار دقیق، هوشمندانه و روزآمد بود آنچه یاد شد، در گروههای چهار و یا پنج نفره انجام می‌شد و پس از آن مجموعه یادداشتها در گروهی به لحاظ کمی، و کیفی (تعداد برداشتها، محتوا، رسایی، نارسایی و...) کنترل می‌گشت و با جرح و تعدیل لازم برای بازنگری نهایی و ویرایش آماده می‌گشت.

شیوه تدوین:

عنوان کتاب «تفسیر راهنما» است، با توضیح «روشی نو در ارائه مفاهیم و موضوعات قرآنی». آنچه اکنون عرضه شده، گو اینکه تفسیری است ترتیبی، اما طرز عرضه مطالب در ذیل آیات کاملاً جدید است. در این تفسیر ابتدا آیه ثبت می‌شود و سپس معارف و مفاهیم آن گزارش می‌شود. در عرضه مفاهیم- که به گونه جملات کوتاه و گویا آمده است- ابتدا آنچه روشن است و از ظاهر آیه با اندک تأمل می‌شود فهمید، می‌آید و سپس هر آنچه با تدبیر و تعمق در آیه و با توجه به مقدمات لازم در تفسیر می‌توان بهره برد گزارش می‌شود و در پایان آنچه با کمک روایات توان دریافت. بدین سان اگر مطلبی ذیل آیه‌ای آمده و ظاهر آیه بدان دلالت روشن نداشته باشد، توضیحات لازم برای چگونگی آن مطلب آورده خواهد شد. به مثل ذیل آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» آمده است: ایدئولوژی برخاسته از جهان بینی است. و در توضیح آن آمده است: الحمدلله..... ایاک نعبد و ایاک نستعین. گو یا عبادت خدا و استعانت از او (ایدئولوژی) به منزله نتیجه و

فرعی است بر ربوبیت خدا، رحمانیت و رحیمیت او، وجود روز جزاء و مالکیت خدا بر آن (جهان بینی). (ج ۱، ص ۹۷). در پایان هر آیه، مجموعه برداشتهای ذیل آن نمایه سازی شده و عناوین موضوعی مستخرج از فیشها بدانها ارجاع می شود. مثلاً ذیل آیه ششم سوره بقره چهار مطلب ثبت گردیده و آنگاه نمایه های ذیل آن (ایمان، بشارت و انذار، تبلیغ، ختم قلب، کفر، هدایت و ...) فهرست شده و به فیشها ارجاع شده است. با این شیوه خواننده مستقیماً به نتیجه رهنمون می شود و برای دست یافتن به مفاهیمی که آیه عرضه می کند در لابلای بحثهای پر پیچ و خم حیران نمی ماند؛ از این روی توان گفت این روش برای عرضه آموزه های قرآنی - بویژه برای نسل جوان - سودمند و کارآمدتر است.

کتاب با مقدمه آقای هاشمی آغاز شده است که در ضمن آن چگونگی شروع کار، ادامه آن و هدف از آن گزارش شده است. (ص ۱۰-۱۱-۲۰). سپس مقدمه مفصل مرکز فرهنگ و معارف قرآن آمده که با نگاهی به ضرورت شناخت قرآن و معارف آن شروع می شود و با عنوان «تفسیر، در بستر تاریخ» ادامه می یابد. در این بخش از آغاز، تطور مکاتب و روشهای تفسیر سخن رفته است. سپس مرکز فرهنگ و معارف قرآن معرفی شده و شیوه تدوین «تفسیر راهنما» نموده شده و مراحل کار و پژوهش و چگونگی تدوین معارف قرآن گزارش شده است. به هر حال این کتاب با شیوه ای نو و منهجی بدیع یکی از کوششهای ارجمندی است که در آستانه قرآن شکل می گیرد و بی گمان در آشنا سازی نسل جوان و جستجوگران معارف قرآنی تأثیر شایان توجهی خواهد داشت.

اکنون با دست مریزاد به دست اندرکاران این تلاش سترگ و ارج نهادن به این تکاپوی ارجمند نکاتی را یادآوری می کنم:

در ص ۲۹، جایگاه ابن عباس در تدوین تفسیر مطرح شده است و آنگاه با استناد به اینکه معلوم نیست «تنویر المقیاس» از آن او باشد آغازگری او در تدوین تفسیر مورد تردید قرار گرفته است. اکنون بدون اینکه در اصل

بحث چیزی بیفزایم باید یادآوری کنم که آغازگری او در اندیشه عالمان مستند به این تفسیر یاد شده نیست تا با تردید در انتساب آن استواری این قول به تردید افتد. (ر. ک: تاریخ التراث العربی، ج ۱، ص ۶۹-۶۳؛ تحقیق حول ابن عباس و مکانته فی التفسیر، ص ۱۹۰-۱۷۹). در ادامه بحث درباره اولین مدون تفسیر اقوالی نقل شده و موضعی قاطع و دیدگاهی روشن ارائه نشده است. گویا باید بدون تردید اولین مدون تفسیر را حضرت علی-ع- دانست. گزارش نصوص فراوانی که دلالت می کند آن حضرت قرآن را همراه تفسیر، تأویل و تبیین محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و ... می نگاشته است، در این مجال میسر نیست. این همه بروشنی نشانگر آن است که در کتابت علی-ع- در کنار قرآن تفسیری نیز شکل گرفته بوده است. تفصیل این سخن را این زمان بگذار تا وقت دگر.

در ص ۳۳ بر پایه آنچه مشهور است «تفسیر به رأی» تبیین شده و به تقسیم آن به ممدوح و مذموم اشاره گشته است به پندارم این بحث ناصواب است. تفسیر به رأی یک نوع بیشتر نیست و آن هم قطعاً ممنوع است و روایات هرگز این تقسیم را بر نمی تابند. پیشنهاد می کنم به جای آنچه عالمان تفسیر به رأی ممدوح نامیدند - و این بیشتر پس از محمد حسین ذهبی شایع شده است - تفسیر عقلانی و اجتهادی نهاده شود.

درباره متن تفسیر هم نکاتی گفتنی است. در ذیل «الم» چهار قول نقل شده است و همه مستند به روایات. آنچه در مقدمه کتاب درباره روایات تفسیری آمده، هوشمندانه است و تنبیه آفرین؛ با توجه بر آن مطالب، نقل این اقوال شگفت می نماید، بویژه دومین آنها. این مطلب مستند به روایتی است که بخشی از آن در نورالثقلین آمده و تمام آن در

معانی الأخبار، که در ذیل صفحه نشانی آن در این دو کتاب یاد شده است. این روایت افزون بر ضعف سند از محتوایی بی پایه برخوردار است. اندک تأمل در محتوای آن نشان می دهد که روایت قابل استفاده نیست. سومین قول نیز سخت ناستوار است و این قول مستند شده به آنچه در مجمع البیان آمده و نورالثقلین آن را نقل کرده است. اینکه حروف مقطعه از تشابهات باشد گویا در روایات ما وجود ندارد و شاید سخن مرحوم طبرسی اشاره به تعبیر «... التي استأثر الله بعلمها... باشد که این هم محل تأمل است. مآلاً باید بگویم که این عنوان برای حروف مقطعه در صریح روایات نیامده و استنباط آن بزرگوار است. (و نیز ر. ک: المیزان، ج ۱۰، ص ۲۲).

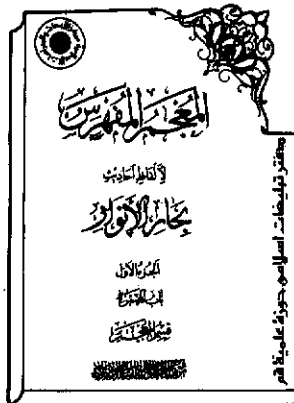
گفتیم مفاهیم و مطالب استفاده شده از آیه در این تفسیر به صورت جمله های کوتاه و بلند آورده می شود، مثلاً در ذیل آیه «ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوه» آمده است: مهر خوردن قلب و گوش (برخی) از کافران از جانب خداوند. و گفتیم که اگر برخی از این برداشتها نیاز به توضیح داشته، توضیح داده شده است. اینک باید یادآوری کنم که برخی از این یادداشتهای چنین است و توضیح ندارند. روشن است که برای پژوهشگران این مجموعه چون با فضای آیه آشنا بوده اند شاید متن یادداشت شده روشن می نموده است، ولی برای خواننده چنین نخواهد بود. از این روی پیشنهاد می شود متن را دو و یا سه نفر به عنوان خواننده ای بدون پیش مطالعه گسترده بخوانند و در چگونگی آن از این دیدگاه اظهار نظر کنند، به مثل در ذیل آیه یاد شده چرا مهر خوردن فقط به قلب و گوش نسبت داده شد و از چشم خبری نیست؟ در شماره چهار ذیل آیه آمده است: قلب و گوش و چشم، ابزار دریافت حقایق و معارف. اولاً چرا اینجا بر خلاف فیشهای دیگر چشم یاد شده است؟ و ثانیاً ابزار بودن اینها از کجا به دست می آید. در ذیل آیه ۱۱۸ سوره بقره و ذیل «قال الذین من قبلهم مثل قولهم تشابهت قلوبهم» آمده است: تشابه فرهنگی، موجب تکرار حوادث. ولی استناد این مطلب به این بخش از آیه ابهام دارد. همچنین در ذیل «اذکروا نعمتی التي انعمت علیکم» آمده است:

«نقش سازنده آگاهی تاریخی» و در توضیح آن نوشته شده است: «با توجه به اینکه یاد نعمتهای گذشته الهی بر انسان نوعی آگاهی تاریخی است». آیا این دلیل عین مدعاً نیست؟ و این نوع آگاهی تاریخی، چه نوعی است؟ به هر حال «تفسیر راهنما» گامی است بلند، بدیع، سودمند و کارآمد در آستانه قرآن که با هر چه پیراسته تر و آراسته تر عرضه شدن آن بی گمان در فضای پژوهشهای قرآنی جایگاهی بلند خواهد داشت.

محمد علی مهدوی راد

المعجم المفهرس لألفاظ
احادیث بحار الأنوار. (قم)،
مرکز الأبحاث و الدراسات
الاسلامية. مكتب الاعلام
الاسلامی فی الحوزة
العلمية قم المقدسه: قسم
المعجم، ۱۴۱۳). ۷۷۰ ص +
۱۴۰ ص، رحلی.

بحار الأنوار الجامعة
لدرر اخبار ائمة الأطهار، اثر
جاودانه و کرانقدر محدث بزرگ و نستوه شیعه، علامه محمد
باقر مجلسی، برآستی دریای موج خیزی است از معارف
الهی و حقایق قرآنی و آموزه های زندگی ساز و سپیده کشای
اهل البیت (ع). سخن از جایگاه بلند این کتاب بی بدیل و نقش
آن در حفظ و حراست از میراث شیعه در این سطور خواهد
کنجید.



(ر. ک: مقدمه کتاب مورد گفتگو، ج ۱، و منابعی که بدانها ارجاع داده شده است.) بحارالأنوار سرچشمه هماره جوشانی است که هیچ جستجوگری در معارف اسلامی از مراجعه بدان بی نیاز نیست. در مجلدات بسیار و صفحات زرین آن آیات قرآن، تفاسیر آیات، احادیث معصومین و دیدگاهها و آراء متفکران و گزارشهای تاریخی در نظامی دقیق و کارآمد فراهم شده که پژوهشیان را در رسیدن به مقصود یاری می‌رساند. گستردگی آگاهیهای پراکنده شده در صفحات این کتاب از دیر باز برای محققان تهیه و تنظیم فهرست و یا فهرستهای راهنما را لازم نموده بود. محدث معتمد و مورخ موثق، مرحوم حاج شیخ عباس قمی، با تدوین و تنظیم «سفینه البحار» مهمترین و کارآمدترین گام را در این پاره برداشت. این اثر فهرست موضوعی و الفبایی تمام موضوعات بحارالأنوار است، با افزونیهایی از احادیث کوتاه، شرح حال رجال و توضیحات علامه مجلسی در ذیل روایات. از این روی سفینه البحار را افزون بر آنکه می‌توان فهرستی دقیق برای بحارالأنوار به شمار آورد، باید کتابی حدیثی، رجالی، ادبی و تاریخی نیز دانست.

سالها بعد محدثی سختکوش دامن همت به کمر زد و بر این اثر ارجمند مستدرکی نگاشت، و افتادگیهای عنوانها و موضوعات را زدود و نشانیهای موضوعات را بر اساس چاپهای قدیم و جدید بحارالأنوار ارائه داد و بدین سان اثری گرانقدر و سودمند و کارآمد در فرا دید محققان نهاد. مرحوم آیه الله حاج شیخ علی نمازی که اثرش را با عنوان مستدرک سفینه البحار نشر داد، افزون بر موضوعات بحارالأنوار مطالب همگون «الغدیر» و «احقاق الحق» با بحارالأنوار را نیز گزارش کرد.

محقق پر تلاش مرحوم سید جواد مصطفوی، پیشگام معجمنگاری در ایران با نگارش التطبيق بین السفینه والبحار بالطبعة الجديدة، سفینه البحار را که بر اساس مجلدات قدیمی بحار تنظیم شده بود به خدمت بحارالأنوار به چاپ جدید نیز در آورد. هدایة الأخبار الی فهرس بحارالأنوار نیز در ضمن چاپ جدید بحارالأنوار (جلدهای ۵۴-۵۵-۵۶) راهنمایی است برای عناوین ابواب بحار که به همت آقای هدایت الله

مسترحمی تدوین و نشر یافت مرحوم کاظم مرادخانی نیز با نگارش المعجم المفهرس لألفاظ عناوین ابواب بحارالأنوار کوشید تا دست یافتن عناوین ابواب بحار را سهل الوصول کند و با نگارش بحارالأنوار فی تفسیر المأثور للقرآن راهنمایی برای آیات تفسیر شده در بحارالأنوار در اختیار محققان نهاد که ستودنی است. (برای آگاهی از چگونگی این فهرستها، شماری دیگر از فهرستهای بحارالأنوار، ر. ک: مقدمه / ۱۱۶-۱۱۷).

المعجم المفهرس لألفاظ أحادیث بحارالأنوار: آنچه یاد شد، سودمند بود و بی گمان تمامت آنها در جهت اهدافی که محققان و نگارندگان آنها در نظر گرفته بودند، کارآمد و مفید بود. اما سهل الوصول ساختن دستیابی به روایات این اثر سترگ، و زود یاب نمودن این همه نصوص بر جای مانده در این مجموعه عظیم همتی بلندتر و عزمی راسختر می‌طلبید که - سهاس خدای را - چنان شد و اکنون پژوهش و کوشش نزدیک به ده سال دهها محقق و فاضل به ثمر نشسته و راهنمای ارجمند و کارآمدی را در پیشرو داریم که برآستی در میان معجمها از لونی دیگر است. بنیاد معجم به سال ۱۳۶۳ در مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی حوزه علمیه قم پی نهاده شد، و فاضلانی که از آغاز بر تدوین کار همت گماشتند بر این نکته پای فشردند که از شتابزدگی و دیمی کاری بهره‌یزند و تأتی و تأمل را در سامان دادن به این اثر پیشه سازند بدین ترتیب مدتها تمام شیوه‌ها و روشهای معجمنگاری را به بحث و بررسی نهادند و با محققان و فرزنانگانی که در این زمینه «فضل تقدّم» و «تقدم فضل» داشتند، جلسات متعددی به مشورت نشستند، و پس از نقد و بررسیهای فراوان در شیوه‌ها و دیدگاهها، دستور العملی مدون پدید آوردند و رسماً «شورای عالی معجم» را تشکیل

دادند. (مقدمه، ص ۱۳۲-۱۳۳). بر اساس دستورالعمل مکتوب (تفصیل آن در مقدمه، ص ۱۳۴-۱۳۸) و با دعوت دهها تن از فاضلان حوزه فیش برداری متون روایات آغاز شد و پس از سه سال تمام متون روایات (روایتهای شماره گذاری شده در بحار) پایان یافت. یادآوری کنم که روایات ضمن توضیح، بیان و تفسیر علامه مجلسی نیز پس از مطالعه مجدد و به لحاظ اینکه قریب به اتفاق آنها با روایات شماره گذاری شده تفاوت داشته اند نیز فیش برداری شده و بر این مجموعه اضافه شد. در این معجم تمام فعلها و اسمها فیش شده و بدین سان حجم عظیمی پدید آمد که در طرح نهایی به مجلدات فراوانی می رسید. برای کاستن از حجم معجم در ضمن تأکید بر کارآمد و سودمندی آن، آیات ضمن احادیث، جدا شد و در مجلدی با شیوه ای دقیق و با عنوان «دلیل الآیات و اسماء السور فی احادیث بحار الأنوار» نشر یافت. این آیات اگر به شیوه روایات فیش می شد حجم قابل ملاحظه ای را افزون می ساخت. مجموعه یاد شده اکنون به عنوان راهنما تفسیر مأثور می تواند جستجوگران این باب را یاری رساند. (ر.ک: مقدمه آن). اشعاری که در ضمن روایات آمده است نیز جدا شد که نشر خواهد یافت و اعلام ضمن احادیث نیز به طور مستقل و بگونه ای سودمند عرضه خواهد شد.

ویژگیها:

۱- جملات در این معجم کاملاً گویا، مفهوم و روشن است. اگر ضرورت تأکید بر مفهوم بودن جمله آن را طولانی می ساخت با نقطه چین نمودن بخشهای از جمله سعی شده است این مهم فرو نهاده نشود و جمله ها تا حد امکان مفهوم و روشن باشد.

۲- کلمات با نظامی دقیق و رده بندی استوار آمده است. هر واژه ای با فعل ماضی ماده آن شروع می شود و با سیر طبیعی ادبی پیش می رود و پس از آن اسمها (اسمهای جامد و مشتق) با ترتیبی دقیق آمده است. (مقدمه، ص ۱۳۶-۱۳۷).

۳- اساس تنظیم معجم بر ماده و هیأت است. محققان برای یافتن کلمه ای از حدیث ریشه خاص آن را در نظر

می گیرند و پس از آن به گونه ای که یادآوری کردیم مقصود را جستجو می کنند. در این معجم افزون بر این برای هر چه عامتر نمودن بهره آن در پایان مجلدات فهرست هیئتها با ارجاع به صفحات آن آمده است تا کسانی که در ماده یابی مشکل دارند از این راه به مقصود دست یابند. این فهرست در مجلد اول «با واژه اواخذ» شروع و با کلمه «یونس» پایان می پذیرد و در جلد دوم با کلمه «أترک» آغاز و با کلمه «ینثنی» فرجام می یابد.

۴- حجم معجم، چنانکه پیشتر یاد کردیم و با تدابیری که اندیشیده شد، با توجه به ابعاد گسترده متون به کار گرفته شده در آن اندک است. در چگونگی آن پیشتر سخن گفتیم.

مقدمه کتاب: چون کار فیش برداری و تنظیم پایان یافت و کتاب به مرحله حروفچینی رسید شورای عالی معجم با توجه به اینکه این مجموعه کلیدی است برای گسترده ترین و شامل ترین مجموعه حدیثی، و با عنایت به آنکه در تاریخ تدوین حدیث شیعه چنین پژوهشی به گونه ای گسترده انجام نشده است، بر آن شد تا تاریخ تدوین حدیث در شیعه را از آغاز تا بحار الأنوار تحقیق و تدوین کند. اکنون مقدمه کتاب نگاهی است گو اینکه نه چندان گسترده اما سودمند، به تاریخ تدوین حدیث در سه بخش:

۱) تدوین حدیث از آغاز تا کتب اربعه. در این بخش از معنای حدیث، سنت، جایگاه سنت، حجیت آن در دیدگاه فریقین، کتابت حدیث، اهمیت آن، آغاز کتابت حدیث، منع از نگارش حدیث در صدر اسلام و پیامدهای آن، نقد توجیهات منع تدوین حدیث، آثار منع، موضع پیشوایان تشیع درباره آن، نگارش حدیث در شیعه: عهد پیامبر، صحابه، استمرار آن پس از پیامبر، روزگار صادقین -ع- بتفضیل سخن رفته است و در پایان آن بحثی است درباره اصول اربعمانه و گزارشی از

۱۲۲ اصل بر اساس منابع کهن کتابشناسی و اطلاعات دیگر. (۲) بخش دوم با بحث و تحقیق درباره کتب اربعه آغاز می‌شود، و در ادامه بحث از جایگاه این مجموعه‌های حدیثی و ویژگیهای آنها سخن می‌رود. شرحها، حاشیه و تعلیقاتی نگاشته شده بر آنها گزارش می‌شود، و اهمیت و امتیازات هر کدام عرضه می‌گردد. آنگاه به لحاظ اینکه هدف اصلی در این مجموعه، کتاب عظیم بحارالانوار است درباره آن بتفصیل سخن رفته است. آراء عالمان درباره بحار، شیوه علامه در تدوین آن، دقت و تبحر علامه در حدیث، هدف از نگارش آن، چگونگی احادیث بحار و موضع مؤلف درباره آنها. ایرادها بر بحارالانوار و پاسخ از آنها، گزارش مباحث فراوانی که علامه ذیل روایات بدانها پرداخته است، بحثهای ادبی و لغوی و هیوی و ریاضی بحار، بحارالانوار و مسائل عقلی و حکمی، آراء علامه درباره فلاسفه، رساله‌های مستقل حدیثی گزارش شده در بحار، کتابهایی که در ضمن بحار آمده، مصادر بحارالانوار، نقش شاگردان علامه مجلسی در تدوین بحارالانوار، تعلیقات و حواشی بحارالانوار و بالآخره مصححان و محققان چاپ جدید بحارالانوار از جمله بحثهایی است که در ضمن این تحقیق آمده است. تاریخ تألیف آن، چاپها و فصول بحار چاپ قدیم، و کارهای انجام شده درباره آن (تصحیح، ترجمه و...) نیز از دیگر مباحثی است که در این بخش آمده است. پایان بخش بحث، شرح حال علامه مجلسی است و فهرست آثار وی.

(۳) معجمها و سیر تاریخی معجم نگاری: در این بخش از اهمیت معجمها و مجموعه‌های کلیدی و سیر تاریخی نگارش معجمها و فهرستها سخن رفته و مهمترین معجمها معرفی شده است. آنگاه گزارش دقیق و تفصیلی درباره چگونگی شکل‌گیری المعجم المفهرس لألفاظ احادیث البحار است و امتیازات آن. در این بخش بتفصیل از سازمان علمی واحد معجم در مجموعه «مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی»، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم سخن رفته و از تمام همراهان و همگامان در تدوین آن یاد شده است. این مقدمه که ۱۳۹ صفحه مجلد اول را گرفته است، خود کتابی است سودمند در تاریخ تدوین حدیث در شیعه و گزارش اهمیت

معجم و سیر تاریخی تدوین آنها.

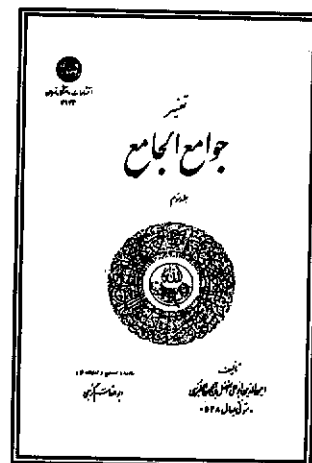
اکنون دو جلد این اثر (جلد اول: باب الهمزه، جلد دوم: باب الباء - جعفریاً) نشر یافته است و بقیه مجلدات آن نیز در آستانه نشر است.

محمد علی مهدوی راد

تسیر جوانان ایرانی

امین الدین ابوعلی فضل بن حسن طبرسی
تصحیح ابوالقاسم کرجی.
(چاپ اول: دانشگاه تهران، ۱۳۷۱). ۱+۱۱+۵۸۸ ص
رحلی.

امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی از پژوهشگران و مفسران بزرگ نیمه اول سده ششم هجری است. گر



چه شرح حالنگاران پیشین از تاریخ تولدش یادی نکرده‌اند، ولی طبق قرائنی چند حدود ۴۷۰ قمری به دنیا آمده است، و قول صحیح و معتبر در تاریخ درگذشتش شب دهم ذیحجه ۵۴۸ قمری است.

این پژوهشگر قرآنی سه اثر تفسیری دارد: مجمع البیان لعلوم القرآن (= تفسیر کبیر)، ۲- جوامع الجامع (= تفسیر وسیط)، الکافی الشافی (تفسیر وجیز).

مشهورتر از همه، اولین تفسیرش مجمع البیان است که بعد از شصت سالگی به نگارش آن پرداخته و طولانی‌تر از

همه و در ده جزء تدوین شده است. دومین اثر تفسیریش، الکافی الشافعی در یک جزء که در سالهای ۵۲۷ تا ۵۴۱ به تألیف مشغول بوده.

سومین تفسیر طبرسی که در پی آن دو تفسیر نگاشته شده جوامع الجامع است که تاکنون سه مجلد از آن با تلاش و همت جناب استاد دکتر ابوالقاسم گرجی تصحیح و منتشر شده است.

مصحح محترم در مقدمه کتاب نوشته اند:

چاپ کتاب به علت سوء مدیریت برخی از مدیران، مدت زیادی بود که در زاویه‌ای از خفاء و گمنامی قرار داشت و جلد اول آن در انبار متروک دانشکده الهیات و معارف اسلامی در زیر قشرهای ضخیمی از گرد و غبار مدفون شده بود و گهگاهی نسخه‌ای از آن را به زحمت زیاد تمیز کرده و به شخصیتی داخلی یا خارجی تقدیم می‌داشتند و هیچ کس نمی‌دانست چه گوهر ناب و درّ نایابی است که در زیر نقاب خاک مستور مانده و محقق آن چه رنجها کشیده و تلخیا چشیده است؟ تا این که بالأخره - بحمدالله و المنه - فجر انقلاب اسلامی طالع شد و تاکنون تا حدودی قدر این اثر شناخته و بارها از اینجانب تشویق کردند و تقدیر به عمل آوردند.

در سال ۶۵ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این اثر را بهترین تصحیح و تحقیق سال شناخت، در سال ۶۷ دانشگاه تهران این اثر را برجسته‌ترین اثر در نوع خود در دهه اول انقلاب اسلامی دانست. و در همین اوان، مدیریت حوزه علمیه قم، این کتاب را به عنوان متن درسی طلاب برگزید و از آنجا که مصحح صحیح‌ترین و مفیدترین نسخه را ارائه دادند، همین نسخه را مکرراً به طبع رسانید. بیشتر حوزه‌های دیگر نیز همین اثر را متن درسی قرار دادند که این اقدام بهترین دلیل بر جای خالی چنین اثری در جامعه فرهنگی است. و اخیراً مرکز پژوهشهای آستان قدس رضوی به ترجمه این تفسیر بر مبنای همین چاپ اقدام نموده است.

ع- در شماره اول مجله آینه پژوهش مقاله نقادانه‌ای تحت

عنوان «غنای دانش و روش تصحیح جوامع الجامع» به قلم آقای رضای مختاری نگاشته شده که بحق توانسته‌اند زوایای گوناگون کار محقق را نقد و معرفی کنند. (مقدمه مصحح).

این همه، نشانگر موقعیت ممتاز این اثر در حوزه و دانشگاه درون کشور بود، ولی این عتق‌ای بلند آشیانه را تنها در ایران درخشیدن نگرفت، بلکه تشکرات برخی از اساتید دانشگاه نیویورک (دکتر خلیل سمعان) خبر از طلوع این تفسیر در مغرب و مشرق می‌دهد.

مزایای جلد سوم: محقق محترم تنها دو امتیاز اختصاصی این جلد را بازگو نموده است: «نخست آنکه در این مجلد، بلکه اساساً هر چه از آغاز کتاب دورتر شده‌ایم، به موازات عمل خود مصنف در استفاده بیشتر از نظریات خود در مجمع، اینجانب نیز بیشتر از پیش در تصحیح و تحقیق از این کتاب شریف استفاده کرده‌ام و به کرات تفسیر کبیر مجمع البیان حلال مشکلات اینجانب در تصحیح و درک مطالب بوده و در بسیاری از موارد در پاورقی بدان اشاره شده است. دوم آنکه در این جلد... هر چه بیشتر رفته‌ایم بر حجم تحقیقات، تعلیقات، توضیحات، ترجمه و تفسیر لغات و ترکیبات، انتقادات لفظی و معنوی و سایر اشارات علمی افزوده شده است. از این روی می‌توان گفت بتدریج مجموعه‌ای بس سودمند و ارزنده بوجود آمده است... (مقدمه مصحح ص ۵-ه).

در مقدمه جلد سوم، مصحح محترم قسمت عمده‌ای از نقد مجله آینه پژوهش را آورده و روحیه علمی و نقد پذیری و انصاف علمی خویش را نشان داده‌اند و با اینکه برخی ایرادات و اشکالات ناقد را پاسخ داده و روش و

مقصود خویش را بیان کرده‌اند، در اواخر مقدمه افزوده‌اند: به هیچ وجه در مقام دفاع یا تبرئه خود از غلط و اشتباه نیستم...

علی مختاری

را توضیح می‌دهد، از واژه‌شناسی و سیر تدوین واژه‌نامه‌ها سخن می‌راند، عمده فرهنگهای زبان فارسی را از آغاز تاکنون با بیان شیوه برخی از آنها و نواقصشان بیان می‌کند و منابع متعددی را معرفی می‌کند و همین شیوه را در مورد دیگر عناصر دنبال می‌کند. مؤلف می‌کوشد منابع دست اول را معرفی کند و در این کار موفق می‌شود، لیکن گاه تسامحاتی نیز رخ می‌دهد که پرداختن به همه آنها از حوصله این مقال خارج است.

دومین بخش به «روش تحقیق در ادبیات فارسی» اختصاص دارد و مؤلف پس از بیان کلیاتی از قبیل تعریف تحقیق و فایده و هدف آن، اصول تحقیق ادبی و انواع تحقیق ادبی و مراحل تحقیق را یکایک بیان می‌کند و نمونه‌هایی از تحقیقات انجام شده به وسیله استادان ادب پارسی را می‌آورد. بخش سوم کتاب به «نظام صوری تحقیق» می‌پردازد و نحوه تدوین و نوشتن تحقیق انجام شده را همراه با مسائل نگارشی و نحوه نوشتن پانویسها، ارجاعات، نشانه‌گذاری و... بیان می‌کنند و تقسیمات و قطع یک کتاب را توضیح می‌دهد.

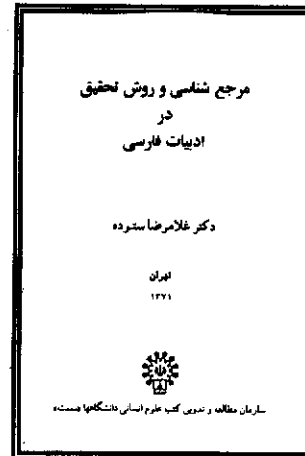
بودن کتابنامه‌ای در پایان کتاب و زیر نویسها و ارجاعات موجود در (تقریباً) هر صفحه، بر غنای آن افزوده است.

مؤلف در آغاز فروتنانه از کاستیهای آن سخن رانده است، اما بحق باید آن را جامعترین و مفصلترین اثری دانست که در این زمینه به زبان فارسی نوشته شده است. گو اینکه مسأله تقسیم‌خامی مؤلف سؤال برانگیز است و عملاً فرهنگها متکفل بیان معانی واژه‌ها، ضرب المثلهای و گاه اصطلاحات و حتی اعلام بوده‌اند که لغتنامه دهخدا و فرهنگ معین شاهد آنند و واقعاً در مواردی این تفکیک به تشویش می‌انجامد.

سیدحسین اسلامی

غلامرضا ستوده. (تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، ۱۳۷۱). ۵۷۰ ص، وزیری کتابنامه.

این کتاب در حقیقت محصول رشد و شکوفایی مقاله نویسنده است که در سال ۱۳۵۴ به نام «درآمدی بر مرجع‌شناسی» در مجله



راهنمای کتاب به چاپ رسانده و با سالها تحقیق و کار عملی و تدریس در این زمینه آن را پر بار کرده است. ارزش چنین اثری هنگامی آشکارتر می‌گردد که با آثار تنک و بی‌مایه سی-چهل صفحه‌ای که نامهای مشابه آن دارند. سنجیده شود.

کتاب از سه بخش تشکیل شده است: نخستین و مفصلترین آن (۳۳۸ ص) مرجع‌شناسی نام گرفته است و مؤلف در آن پس از بحثهای مقدماتی درباره ارزش مرجع‌شناسی و نظام رده‌بندی کتابخانه‌ها، تقسیم خود را از منابع مرجع ادبیات فارسی ارائه می‌کند. طبق تقسیم‌بندی مؤلف، هنگام خواندن متن ادبی (شعر یا نثر) حداکثر با پنج مانع برای فهم مطلب روبرو می‌شویم:

۱. معنای واژه‌ای را نمی‌دانیم. ۲. با اعلام و نام کسان ناآشنایی بر می‌خوریم. ۳. معنای اصطلاحات خاصی را که در متن است متوجه نمی‌شویم. ۴. ضرب المثلهای و لغات عامیانه‌ای در متن وجود دارد و بالاخره ۵. عبارات عربی در متن مانع فهم مطلب می‌شود. در این جا مؤلف یکایک این عناصر را با شرح و بسط تمام باز می‌نمایاند؛ معنای «واژه»